

مادران را دریابید

ستار حبیبی، بندترکمن  
پاران صمیمی و قدرتمند سلام:

مادران را دریابید آن‌هایی که عصاره جانشان را نثار ما کردند، مستحق بی‌مهری نیستند. می‌دانم و مطمئنم هر کسی مشکلات فراوانی دارد اما آن‌ها نمی‌شود فرصتی پیدا کرد و بوسه‌ای بر گونه مادران زد. آیا این انتظار بزرگی است که کسی را که سالها هر آنچه داشته در طبق اخلاص گذاشته و به ما هدیه داده است چند روزی مهمان کنیم. عروس خانم‌ها و آقاها: شما که امروز توفیق نگهداری مادری (مادر خودتان یا همسران فرقی نمی‌کند) را دارید آفرین بر شما با همه وجود بر دستتان بوسه می‌زنم، به خدا کار بزرگی است. گاهی بعضی از این عزیزان، وقتی پیر می‌شوند به دوران کودکی خود بازمی‌گردند و بهانه‌گیر می‌شوند، درست مثل یک کودک، مطمئن باشید خزانه غیب الهی به روی زندگیتان گشوده خواهد شد. هر آنچه امروز دارید ار برکت دعا و حضور مادران است. وای بر عروسی که بی‌مهری کند، وای بر دامادی که اخم کند. از فرجام کار خود بترسید، وای بر پسر و دختری که حتی لحظه‌ای این عشق را جیره‌بندی کنند. می‌گویند شما که جای ما نیستید هر کسی در پیچ و خم زندگی خود گم شده است. می‌گویم! لحظه‌ای چشمانتان را ببندید و خودتان را در چند دهه آینده مجسم کنید که تنها هستید، حالا از جگرگوشه‌تان چه انتظاری دارید؟ می‌دانم کار دشواری است. در این روزهای پایانی سال گوشه‌ای تلفن را بردارید و از آنها احوالی بپرسید. چند صباحی مهمانان کنید آنها به عشق نیاز دارند، عاطفه می‌خواهند و محبت، چیزیکه یک عمر بدون توقع به شما هدیه داده‌اند. هنوز دلم گرفته است نمی‌دانم شاید برای عزیزانی که در خانه سالمندان تنها و غرب هستند، دلم گرفته است. چقدر دلم برای مادرم تنگ شده است بلند شوم و تلفنی به او بزنم.



روزانه بیش از ۲۰۰ کودک و نوجوان ترکمن و روس با خانواده‌هایشان از غرفه کانون دیدن کرده و در فعالیتهای هنری آن شرکت کردند. غرفه نمایشگاه، غرفه کانون پرورش فکری که شامل نقاشی کودکان ایرانی، کتابها و سرگرمیهای فکری و عروسک ملی دارا و سارا بود. همچنین ایستگاههای حضوری نقاشی، سفال، کار دستی و بازیهای فکری علاقمندان بسیاری داشت.

حضور موفق کانونی پرورش فکری گلستان در ترکمنستان

گنبد کاووس، خبرنگار صحرا:

در نمایشگاهی که به مناسبت هفته فرهنگی ایران در کشور ترکمنستان برگزار گردید، غرفه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان گلستان با استقبال شگفت‌انگیز روبرو شد.

این نمایشگاه به مدت ۱۰ روز در ۲ شهر عشق آباد و ماری (مرز) برپا شد و با استقبال خانواده‌ها، کودکان و نوجوانان علاقمند به فرهنگ و هنر ایران روبرو شد.

در این نمایشگاه که بنا به دعوت رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در عشق آباد و سرکنسولگری ایران در ماری (مرز) برگزار شد غرفه‌های کانون پرورش فکری، صنایع دستی، ایرانگردی و جهانگردی و اداره کل ارشاد استان گلستان، میراث فرهنگی و فرهنگسرای نیابوران و انتشارات آستان قدس رضوی حضور داشتند.

جذاب‌ترین و پربیننده‌ترین غرفه نمایشگاه، غرفه کانون پرورش فکری بود که شامل نقاشی کودکان ایرانی، کتابها و سرگرمیهای فکری و عروسک ملی دارا و سارا بود. همچنین ایستگاههای حضوری نقاشی، سفال، کار دستی و بازیهای فکری علاقمندان بسیاری داشت.

در ابتدای سال، مردم آذربایجان برای شکر به درگاه خداوند مراسم ویژه "سوآدانما" برپا می‌کنند

بیشتر علم و گسترش شهرها و رسانه‌های جمعی باعث از بین رفتن باورها و منسوخ شدن بسیاری از رسم‌ها شده است.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران، در زمان‌های گذشته باورهای چون دعای باران که بعد از فصل کاشت محصول در بین آذربایجانیان مرسوم بوده اکنون به فراموشی سپرده شده است.

در زمان‌های گذشته مردم با توجه به وضعیت موجود، باورها و مراسم خاصی را به اجرا در می‌آوردند و از جمله این مراسم، دعای باران بود که در زمان خشکسالی اجرا می‌شده است.

این مراسم شامل خواندن بیانی‌های ترکی، دعا، نیایش و همچنین ایجاد صداهایی با زدن ضربه بر لوازم فلزی مورد استفاده در آن دوران بود و از پروردگار خویشتن روزی و باران را طلب می‌کردند.

چاخ داشی چاخماق داشی یاندی اورمین باشی الله بیر یاغیش الله بنده‌ئر روح بیر یاغیش الله

یک سالنوار آذربایجانی یکی از رسوم منسوخ شده در آذربایجان را مراسم ویژه "سوآدانما" عنوان کرد و گفت: در گذشته مردم جهت شکر به درگاه خداوند طلب روزی، در ابتدای سال (نوروز) به اجرای مراسم خاص به عنوان "سوآدانما" برش از روی آب می‌پرداختند.

عوض سالاری ۸۰ ساله ادامه داد: در مراسم ویژه سوآدانما مردم با جمع شدن در محل سوئیز آسیاب آب (نوباشی) به جشن و شادی می‌پرداختند و با پریدن از روی جوی آب و خوردن آب جوی به عنوان تبرک تمام دردها و رنج‌های خود را در سال گذشته با خواندن شعرهای ترکی (بیانی) به آب روان می‌سپردند.

در وقتیم اغور غوم برداقلاسین دردم بلا برافاقلاسین مردم در این مراسم سه بار از روی جوی بریده و هر بار این دکلمه را زمزمه می‌کردند.

فرهنگ گمشده

جرن ندیمی

باید لااخواند . من اسب تاختن نمی دانم ولی من ترکمنم!! به من نخند گریه کن حال ما بهتر از این نیست . من فقط می دانم چگونه از آنها تصویری کشم چند در قایمهای چوبی و یا در دفترم از آنها بگویم یا به شاپرکها، قاصدکها آرزوشان را بگویم.

حال ما عزا دارد بغزای از دست رفته هامان. می بینی من با چه خطی حرفها با تو می گویم بهاز می خواهم به اندازه مرزهای گمشده فریاد برآرم وقتی می شنوم، می گویند من طائفه ای از ترکمنم، من می مانم، می مانم که چه گویم، می مانم که چه گویم در ذهن خیالم، ذهن من دور از همه چیز ذهن من از ناله ها پر می شود، وای بر من که نمی دانستم ترکمن چند ایل بودایغنی هست!! او باز نیز اینها بماند... می بینی مرا؟! با چه زبانی به شکایت برخاستم؟ به چه خطی با تو سخن می گویم؟ از غصه هایم می گویم؟ ولی در پس اینها عشق من باقیست... ولی توبه من بگو آيا عشق کافیتست؟ آن حس که وقتی از ترکمن صحرا می گفتند، هنوز در من باقیست، من نیز گاه گاه خود را میان صحرا



می یابم که از فرط استیصال روی شانه هایم خموده شده ام و چهره ام زرد شده است، از یک فراموشی و یا گمشدگی و من را دیگر به کومه راه نمی دهند و نگاه صحرا غضبناک، رویم می خشکد، آیا من باز باید برای دانستن این که، کیستم سراغ کتابها روم ؟ سراغ نقل قولها؟ که ترکمنچه بودند؟ ما نمی دانیم حتی کجای

صحرا گمشده ایم و آیا من دوباره باز باید دیدار دار قالی، اسب سواری یا یک دوتار عالی و دیوان شعر مخرتومقلی و گفته ها و کرده های منگلی، بجومی در میان خاک و زمین؟  
!!شاید آن گوشه ها جایی همردیف گنماها، اثری از بوی ترکمن دیدم آنگاه به تو خواهم گفت تا آن روز من ... و بدان من هنوز سرگردان و حیران می گردم لبدون حتی یک دوتار و با اسب؟ نه بدون اسب امن ترکمنم، می دانم باورش سخت است امن چه دارم؟ هان؟ نه چشمانم بادامیست آینه دستهایم بوی قالی می دهند، به کشفهایم رنگ رکاب اسب را دیده است، به لباسهایم گل یقه دارد، می دانم باورش سخت است و تنها دارایی من نقاشی های رنگی ام از صحرا مخرتومقلی دفتر شعرم هستند، من تنها شعر گفتن و قصه گفتن برای صحرا را می دانم، صحرا می - صحرا ترکمن - صحرا می که نیست! هر چند هست و ما صحرا را به فراموشی سپردیم می دانم شانه های دوتار در انتظار دستی است تا که روزی رویش سنگین شود و منی خواهم دارقالی را دوباره با نگاه های محزونش ببینم که یاد دستهای پر شور دخترک را هر چند گاه یک بار در خود تکرار می کرد و سم اسبان هم هنوز می خواهند به روی وسعت صحرا بتازند و من نیز می خواهم همراهشان درون صحرا- ترکمن صحرا- گام بردارم و دیگر صحرا را از یاد نبرم و این فریاد هر لحظه در من غوغا می کند من ترکمنم... میدانم!

نامه های رسیده:



گنبد:

عبدالحمید قل زاده، اسماعیل عاشوری، متین بازیار، عبدالکریم دوگونجی، عبدالرزاق عطایی، رحمان کسلخه، امینه قویلد - آرزو محمدی - منیره شادی - آی ناز پیرلی - ایوب نیازی انابای - آتلان بیات، آراز محمد تورانی روستای قولاق بورتنه، سلیمه ماهری، نیاز گل چشمه عالی قورجایی - عبدالجبار قورجایی - امینه قویلد - تاج بردی کشاورز -  
بندر ترکمن: سحر قره قول، ستار قول، عبدالمجید قول، محمد حاجی سردار، مریم نیازی (برای کسب اطلاعات بیشتر در خصوص سئوالتان با دفتر نشریه تماس حاصل نمایید)، عرفان قول، خالد آقازاده چوگان - آی سلطان پور قر - آزاده پورقاز - عبدالغفار ایری - حاجی می بی ریاحی - خدافلای نواری - عبدالله منصوری نژاد، هزاره عطامرادی یعقوب علاقی، مارال کل  
آق قلا: منیره قول - عبدالغفار آرازی - بهرام سقر -  
سپهین شهر: آق گل کر - اسلام کر - فریوز نیازی -  
کلاهل: طغان محمد ملکی، طغان محمد ملکی، ابراهیم آرازی عبدالغفور بایندی  
مراوه تپه: مهدی بران دوجی حلیبه اوزونی دوجی

خوانندگان گرامی با تشکر از محبتهای شما لطفا نامه های خود را به آدرس کرکان کدیستی ۵۶۴۵۷-۴۹۱۳۸ و با پست عادی ارسال فرمایید

جدول با جایزه ۸

اراز - خوجه محمد - خدابردی - بایرام - امان - گلدی - تویقلی - نوری - ارسلان - تویلی - تایماز - ارکین - طواق - اراز محمد - عطا - گلدی - نفس - عاشور - آق - اویلی - دوردی - صفر - احد - بردی - رجب محمد - سید - عبیدی - کاکا - قلیچ - حلیم - قربان - آنه - حالت قلی - قره - جه - بابا - بابیلی - ولی - کریم - بکنج - مولام - همرا.

Table with 13 columns and 13 rows containing numbers and Persian letters for a word search puzzle.

جدول با جایزه ۷

دیزاماق (قصه حمله) - یاسای (قانون) - مایدا (کوچک) - دوکوم (سرمايه گذاری) - دوشبئی (تیز فهم) - سارداق (کوزه کوچک) - دوش (سینه) - مازی (درخت بلوط) - اتلی (خوش مزه) - کولوش (حصیر) - چولا (خلوت) - قاق (خشک) - قارامایاق (مرد عامی) - غالایی (فلز قلع) - چات (شکاف) - باش (هبر) - بارس (یوزپلنگ) - غازانماق (سود بردن) - غاراداق (دفاع) - باداق (فنی در کشتی) - تاسی (جهنم)

Table with 13 columns and 13 rows containing numbers and Persian letters for a word search puzzle.

Advertisement for 'بهرترین هدیه نوروزی' (Best New Year Gift) featuring a book cover and text promoting a contest.